

بسم الله الرحمن الرحيم

عمدة الاخبار

شرح حال عارف دل سوخته اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام

حاج سید عزیز حسینی دشتی

تحقیق و تألیف: نعمت اله بهرورزی

بسمه تعالی

«بعرض میرساند انشاءالله تعالی در کمال صحت و عافیت موفق بوده و
خواهید بود مرقوم شریف که حاکی از سلامتی بود بضمیمه عبای ارسالی
جناب عمده الاخیار، توفیق شعار آقای حاج سید عزیز الله دشتی دام توفیق
... واصل گردید ... در مواقع توجه ملتزم دعا می‌باشم...»

ابوالقاسم الموسوی الخوئی

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۷

بخش اول: از تولد تا وفات

فصل اول: تولد تا ازدواج ۲۷

۱- تولد و نام گذاری (۱۳۰۲ هـ ش) ۲۹

۲- تاریخ تولد ۳۴

۳- شجره نامه ۳۵

۴- ظهور اولین الطاف بعد از تولد ۳۷

۵- طفلی از سیله یا کان ۴۱

۱- ۵ سید محمد حسین (جدّ ابی حاج سید عزیز) ۴۲

۲- ۵ بی بی زهرا مشهور به بی بی زریان ۴۳

۳- ۵ سید مقیم (جدّ امی حاج سید عزیز) ۴۵

۴- ۵ سید علی (پدر حاج سید عزیز) ۴۶

۶- سیده زبیده (مادر حاج سید عزیز) ۵۸

۷- تحصیلات ۶۱

۸- ازدواج حاج سید عزیز (۱۳۲۸ یا ۱۳۲۹) ۷۰

فصل دوم: شروع خود سازی تا عزیمت به نجف و کربلا ۷۳

۱- شروع خود سازی (۱۳۱۶ یا ۱۳۱۷) ۷۵

۲- ظهور اولین خرق عادت (۱۳۳۴ الی ۱۳۳۷) ۷۹

۳- شروع سفرها: سفر اول به کربلا و مکه (۱۳۳۸) ۸۰

۴- مهاجرت از عیسوند به برفصاد (تابستان ۱۳۴۴) ۹۳

۵- سفر دوم به مکه (زمستان ۱۳۴۵) ۹۷

- ۶- مهاجرت از بَرَمِصاد به روستای تل اشکی (پائیز ۱۳۴۶)..... ۱۰۳
- ۷- عزیمت به نجف و کربلا (بهار ۱۳۴۷)..... ۱۰۵
- فصل سوم: برگشت از عراق تا وفات..... ۱۱۴
- ۱- تصمیم به برگشت از عراق (زمستان ۱۳۴۸)..... ۱۱۷
- ۲- حضور در مشهد (بهار ۱۳۴۹)..... ۱۲۸
- ۳- برگشت به تل اشکی (زمستان ۱۳۴۹)..... ۱۳۱
- ۴- وفات حاج سید عزیز (خرداد ۱۳۵۶)..... ۱۳۵
- ۴-۱- خبر از محل دفن خود..... ۱۳۶
- ۴-۲- خبر از محدوده زمان مرگ خود..... ۱۳۷
- ۴-۳- خبر از وضعیت خود در زمان مرگ..... ۱۳۸
- ۴-۴- یک ماه قبل از وفات..... ۱۳۸
- ۴-۵- دو هفته قبل از وفات (زمزمه‌های وصال)..... ۱۴۰
- ۴-۶- آماده نمودن وسایل فاتحه..... ۱۴۳
- ۴-۷- دو روز قبل از وفات..... ۱۴۳
- ۴-۸- دو شب قبل از وفات و صبح آن..... ۱۴۵
- ۴-۹- عصر قبل از وفات..... ۱۴۷
- ۴-۱۰- شب تا سحرگاه وفات (۱۳۵۶/۳/۲ هـ. ش)..... ۱۴۸
- ۴-۱۱- مراسم تدفین و فاتحه..... ۱۵۳

بخش دوم: ابعاد تربیتی و عرفانی حاج سید عزیز

- فصل اول: ابعاد تربیتی حاج سید عزیز..... ۱۵۹
- ابعاد تربیتی حاج سید عزیز..... ۱۶۱
- ۱- حضرت خضر علیه السلام و حاج سید عزیز..... ۱۶۳
- ۲- امام زمان علیه السلام و حاج سید عزیز..... ۱۷۳
- ۳- امام حسین علیه السلام و حاج سید عزیز..... ۱۸۳

۱۸۷	۳-۱: برگزاری مجالس عزای امام حسین علیه السلام
۱۸۹	۳-۲: دوستی با امام حسین و مخالفت با رفتار دشمنان امام حسین علیه السلام
۱۹۰	۳-۳: سجده ایی در دیار یار
۱۹۱	۳-۴: نکوداشت نام حسین علیه السلام
۱۹۴	۳-۵: حفظ حق و حقوق امام حسین علیه السلام
۱۹۵	۳-۶: پرهیز از قسم به نام امام حسین علیه السلام
۱۹۷	فصل دوم: ابعاد عرفانی و شریعت گرای حاج سید عزیز
۱۹۹	ابعاد عرفانی و شریعت گرای حاج سید عزیز
۲۰۱	۱- نماز
۲۰۴	۱-۱ وضو و طهارت
۲۰۷	۱-۲ نماز اوّل وقت
۲۰۹	۱-۳ عشق به نماز
۲۱۲	۱-۴ نماز شب
۲۲۰	۱-۵: نماز نافله و اعمال مستحبی
۲۲۳	۱-۶ نفّسِ مطهر و اقامه نماز
۲۲۵	۱-۷ آموزش و توصیه به نماز
۲۲۷	۱-۸ حاج سید عزیز و آدم‌های بی نماز
۲۳۴	۱-۹ مکانی برای نماز
۲۳۵	۱-۱۰ حرمت نماز و نماز گذار
۲۳۶	۲- روزه
۲۳۹	۳- ذکر
۲۴۲	۳-۱ ذکر لا اله الا الله
۲۴۷	۳-۲ ذکر قل هو الله احد
۲۴۸	۴- یقین

۵- یاد حق در خواب و بیداری..... ۲۵۳

بخش سوم: آموزه‌های معرفتی همراه با داستانهای شنیدنی

فصل اول: علت بروز کرامات و خرق عادات در رفتار حاج سید عزیز..... ۲۵۹

فصل دوم: اشخاص در زندگی حاج سید عزیز..... ۲۷۷

۱- معصومین..... ۲۷۹

۱-۱: حضرت محمد ﷺ..... ۲۷۹

۱-۲: حضرت علی علیه السلام..... ۲۸۴

۱-۳: حضرت زهرا علیها السلام..... ۲۸۹

۲- امام خمینی رحمه الله..... ۲۹۱

۳- آیت اله خویی رحمه الله..... ۲۹۴

۴- آیت اله سید محمد هادی الحسینی میلانی رحمه الله..... ۳۰۰

فصل سوم: حاج سید عزیز، شاه، خوانین و کدخداه..... ۳۰۵

فصل چهارم: توصیه‌ها و مراقبت‌ها..... ۳۲۱

۱- اطعام و اکرام..... ۳۲۳

۲- مجالست و کمک به فقرا..... ۳۲۹

۳- ساده زیستی و کبر..... ۳۳۷

۴- بخشیدن آنچه خود دوست داری..... ۳۴۰

۵- بخشش و دوری از انتقام..... ۳۴۵

۶- مهمان نوازی..... ۳۴۸

۷- یتیم نوازی..... ۳۴۸

۸- قرآن..... ۳۴۹

۹- استخاره..... ۳۵۳

۱۰- غنا..... ۳۵۵

۳۵۸	۱۱- ربا
۳۶۰	۱۲- زنا
۳۶۳	۱۳- شراب و آلت قمار
۳۶۵	۱۴- غیبت
۳۶۶	۱۵- امریه معروف نهی ازمنکر درهرشرائط
۳۶۹	۱۶- ریش
۳۷۰	۱۷- پرداخت خمس
۳۷۲	۱۸- مال حلال
۳۷۶	۱۹- رزق و روزی
۳۷۶	۱۹-۱: روزی نشان دار
۳۷۸	۱۹-۲: روزی مشخص
۳۸۱	۲۰- وفای به عهد
۳۸۴	۲۱- حق همسایگی
۳۸۵	۲۲- پرهیزازسخنان زشت
۳۸۶	۲۳- کوشش درامرازدواج
۳۸۹	۲۴- روز جمعه و خوردن انار
۳۹۰	۲۵- غذا خوردن با دست راست
۳۹۰	۲۶- تهاجم شیطان
۳۹۱	۲۷- تهیت و سلام
۳۹۲	۲۸- نهی در تفاوت بین اولاد
۳۹۳	۲۹- دعای مادر
۳۹۵	۳۰- غضب مادر
۳۹۷	۳۱- احترام کردن به والدین پس ازمرگ آنها
۳۹۸	۳۲- عدم دلبستگی به فرزند

فصل پنجم: حیوانات در فرمان اولیاء الله	۴۰۱
۱- پناهندگی روباه	۴۰۴
۲- زدن حیوان	۴۰۵
۳- کشتن حیوان	۴۰۶
۴- کشتن حیوان بدون بسم الله	۴۰۷
۵- حفظ حقوق حیوان	۴۰۸
۶- بخشیدن حیات به حیوان	۴۰۹
۷- ادب حیوان	۴۰۹
۸- عقوبت‌های بی دم	۴۱۱
۹- گاوی از جنس اجنه	۴۱۲
۱۰- دستور به خرید گاوم	۴۱۴
۱۱- رهیابی عجیب ۳۵ کیلومتری یک گوساله	۴۱۵
۱۲- رهیابی عجیب ۹۰ کیلومتری یک گوسفند	۴۱۷
۱۳- حیوانات مانع نزول عذاب	۴۱۸
۱۴- حضور پرندگان در روضه و اذان	۴۱۹
۱۵- حاج سید عزیز در حلقه پرندگان	۴۲۰
۱۶- پرندگانی که حاج سید عزیز را به آسمان شایع نمودند	۴۲۱
فصل ششم: جمادات در فرمان اولیاء الله	۴۲۳
۱- آتشی که خاموش گشت	۴۲۷
۲- نظافت اتاق به محض ورود حاج سید عزیز	۴۲۷
۳- راه اندازی تراکتور معیوب	۴۲۸
۴- خاموش و روشن شدن ماشین	۴۲۹
فصل هفتم: خبر از حوادث و پیش آمدها	۴۳۱
۱- پیش بینی رفتن شاه	۴۳۴

- ۴۳۵ ۲- پیش بینی یک اختلاف
- ۴۳۶ ۳- پیش بینی یک حادثه
- ۴۳۸ ۴- پیش بینی ورود تلویزیون و رادیو به منزلشان
- ۴۳۸ ۵- خبرهایی از مرگ
- ۴۴۰ ۶- مرگ فرزند بقای عمر پدر و مادر
- ۴۴۱ ۷- بچه دار شدن موجب مرگ پدر
- ۴۴۲ ۸- فوت فرزند و وعده تولد
- ۴۴۳ ۹- وعده تولد فرزند
- ۴۴۵ ۱۰- خبر از تولد بچه ایی مجنون و کرولال
- ۴۴۵ ۱۱- پیش بینی اولاد پس
- ۴۴۶ ۱۲- خبر از شفای یک مریض
- ۴۴۷ ۱۳- پیش بینی تولد یک فرزند و شفای وی
- ۴۴۷ ۱۴- خبر از سربازی دو روزه
- ۴۴۸ ۱۵- خبر از آمدن سیدی
- ۴۴۹ ۱۶- خبر از آمدن مهمان
- ۴۴۹ ۱۷- خبر از رسیدن وسیله
- ۴۵۰ ۱۸- خبر از رسیدن مسافر
- ۴۵۱ ۱۹- خبر از بهبودی معیشت
- ۴۵۱ ۲۰- خبر از فروش تنباکو
- ۴۵۲ ۲۱- خبر از شامی که خود می‌رسد
- ۴۵۳ ۲۲- خبر از محل گرفتن گواهینامه
- ۴۵۵ فصل هشتم: شفا یافتگان
- ۴۵۹ ۱- دعای شفا بخش حاج سید عزیز و مأموریت راننده
- ۴۶۱ ۲- روزه تب بر

۴۶۱	۳- آتش تبی که، در یک لحظه خاموش گشت
۴۶۱	۴- تب سرخک
۴۶۲	۵- شفای مریضی مرنجک
۴۶۳	۶- شفای چشم
۴۶۴	۷- شفای دست
۴۶۴	۸- شفای یک عفونت مرگ بار
۴۶۵	۹- شفای لال به روش حاج سیدعزیز
۴۶۶	۱۰- شفای مجنون
۴۶۷	۱۱- خداوند شفا دهنده درخواست کنندگان
۴۶۷	۱۲- پیرزنده
۴۶۹	فصل نهم: داستان‌های متفرقه
۴۷۱	۱- عروجی ناقص
۴۷۱	۲- حاج سید عزیز و سید محمد امین
۴۷۲	۳- آگاهی از خواب
۴۷۳	۴- خبر از داستانی که بر ما گذشت
۴۷۵	۵- بروز گناهان و عدم گفتن گناهان
۴۷۵	۶- قلبی از جنس سنگ
۴۷۶	۷- زغالی که خود می‌رسد
۴۷۶	۸- هندوانه ایی که خود می‌رسد
۴۷۷	۹- دنبال زنده اش نباشید
۴۷۸	۱۰- گوش درد
۴۷۸	۱۱- برنج دود زده ایی که خوش بو شد
۴۷۹	۱۲- مبارزه با خرافات
۴۸۰	۱۳- پرهیز از گفتن هر سخن

۴۸۰	۱۴- خوابیدن پیش همسر.....
۴۸۰	۱۵- سبزی باغ.....
۴۸۱	۱۶- فرستادن فاتحه برای اموات.....
۴۸۱	۱۷- رعایت عدالت در همه چیز.....
۴۸۲	۱۸- تشخیص امام زاده‌ها از غیر امام زاده.....
۴۸۲	۱۹- صحبتی با فرزند.....
۴۸۵	۲۰- مرگ اختاری حاج سید عزیز و وفات مادر.....
۴۸۹	فصل دهم: کرامات بعد از مرگ.....
۴۹۱	۱- نماز بعد از وفات.....
۴۹۲	۲- شش ماه زندگی با کبد از کار افتاده.....
۴۹۳	۳- شفای چشم.....
۴۹۳	۴- دلالت به پزشک.....
۴۹۴	۵- شفای یک بیماری.....
۴۹۵	۶- نوید یک فرزند.....
۴۹۶	۷- تغییر رفتار.....
۴۹۷	۸- روشن شدن موتور سیکلت بدون بنزین.....
۴۹۹	مختصری در چگونگی نگارش کتاب.....
۵۰۵	فهرست مصاحبه شوندگان.....
۵۱۱	فهرست مکانها.....
۵۱۹	فهرست منابع.....

— آنچه در شیوه نگارش کتاب اهمیت فراوان داشته، آوردن اصل و مضمون خود داستان از زبان ناقلینش می باشد با این همه با حفظ امانت داری و تنها با سلیس تر نمودن ادبیات مصاحبه شوندگان و با تغییر لهجه محلی استان بوشهر به فارسی مرسوم خاطرات نقل قول گردیده است.

— انتخاب نام کتاب با عنوان عمدة الاخير به دلیل وصفی است که مجتهد بزرگ و عالیقدر عالم تشیع مرحوم آیت اله خوئی رحمته الله در نامه های خود به ایشان داده و حاج سید عزیز را متصف به آن نموده که در مطلع کتاب تبرکاً، خلاصه ای او، یکی از چهار نامه آیت اله خوئی رحمته الله به نظر تان رسید.

— این کتاب که شامل ۴۰۶ داستان بلند و کوتاه یا گفتارهای رسیده از حاج سید عزیز می باشد، به صورت شمارگان از ۱- در سمت راست کتاب برای هر فصل مشخص گردیده و هر شماره، بیان کننده شروع یک داستان یا گفته ایشان بوده و در نهایت جمع تمام فصل ها تعداد ۴۰۶ داستان را مشخص می کند.

— این داستان ها مزین به ۱۱۰ آیه از قرآن کریم و ۱۹۹ روایت از ائمه اطهار، همراه با تعداد زیادی مطالب و اشعار عرفانی جهت تطبیق شناسی سلوک رفتاری آن بزرگوار می باشد که خود به تنهایی، موجب غنای کامل کتاب شده است.

— گاه رفتارها و حکایت های به جا مانده از عرفا، قابل تطبیق و تفسیر با استدلال های عقلی و منطقی نبوده فلذا؛ با ورود در آیات و روایات و مباحث عرفانی، سعی در گره گشائی موضوع شده منع هذا؛ این تطبیق، صرفاً برداشتی است که از ظواهر داستان ها با مراحل سیر و سلوک و مبانی عرفان نظری و عملی بدست آمده، و دلیل قطعی بر صحت آن نمی باشد، چرا که، ورود در این حوزه موافق اهل مقام است که نگارنده از آن بی بهره است.

گر کسی وصف او زمن پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز^۱
 — هدف دیگر از این تطبیق شناسی، علاوه بر اینکه به بازخوانی تعداد زیادی از آیات و روایات همراه با شیوه عملی احادیث در رفتار و گفتار این مرد بزرگ منجر می‌شود، می‌تواند ما را به مراقبت و دقت و داشته و بعضی از داستان‌ها روح و کالبد جدیدی برای مستمع ایجاد تا در قالب احکام شریعت، از خواب برخیزد و چنگ در مفاهیم اسلامی زند چرا که به گفته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «مردم در خوابند هر گاه که بمیرند بیدار خواهند شد»^۲. بنابراین، این حکایت‌ها می‌تواند جذبه و کشش الهی، که کم و بیش بر هر بنده‌ای در ایام زندگی، علی الخصوص جوانی، تابیدن می‌گیرد و در مسیر سیر قرار می‌دهد، هشیار نموده و از آن بهره‌مند نماید و بداند کسانی که سهم بیشتری از این تابش و بارقه غیبی دارند دارای خصائصی می‌گردند که، شنیدن این خصوصیات می‌تواند هر انسانی را به فکر فرو برده و در دل هر صاحب ذوقی کشش ایجاد کند.

چشم روشن کن ز خاک اولیاء همین که اسرافیل وقتند اولیاء^۳
 تا بینی زابتداء تا انتهاء مرده را زایشان حیاتست و نماء^۴

— خاطرات موجود در این کتاب توسط ۱۰۷ نفر نقل و بیان شده و این ناقلین کسانی هستند که حاج سید عزیز را زیارت کرده و داستان گفته شده را عیناً دیده و شنیده‌اند و اینجانب؛ شخصاً و البته به تعداد انگشت شماری، تلفنی با آنها مصاحبه و گفتگو کرده‌ام ولی این بدان معنا نیست که تمام داستان‌های ایشان

۱ - سعدی

۲ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: عرفان عملی صفحه ۱۱۰

۳ - مولانا

همین تعداد می باشد چرا که؛ یقیناً ما به افراد زیادی که از حاج سید عزیز داستان‌هایی دارند دسترسی پیدا نکرده و بعضی از داستان‌ها به صلاحدید در کتاب آورده نشده و بعضی از افراد نیز حاضر به گفتن بعضی از حکایات نشده و آن را رمز بین خود و آن سید بزرگوار دانسته که در هیچ زمانی، اجازه گفتن آن را نخواهند داشت.

لیکن در این مصاحبه و مصاحبت‌ها، با روحیات و حالات انسان‌های متفاوتی که در جامعه نمودی کمتر داشته و خلوت نشین منزل خود هستند آشنا شده و البته اینان به حدی به حاج سیدعزیز، ارادت ورزیده و می‌ورزند که چون نام ایشان پس از سال‌ها آورده می‌شود، اول اشک در چشمانشان جاری و بعد لب به کلام گشوده و از بزرگواری و مهرورزی و خدایی بودن ایشان صحبت که البته تعداد زیادی از آنها هم اکنون نیز در قید حیات می‌باشند.

بنابراین، هر گاه سخنی از «نواتر و اتفاق آراء، آنهم در حوزه وسیعی»^۱ از افراد بر روی یک شخص و یک موضوع، آن هم در حوزه خالق طبیعت و وجود عالم دیگر می‌شود این ندا که «حقیقتی در کار است»^۲ و «این قدر هست که بانگ جرسی می‌آید»^۳ به گوش رسیده و به قول ابن سینا «در اندرون من، بشارتی هست، عجب می‌آید، از این مردمان، که بی آن بشارت، شادند»^۴.

— اما در خصوص این بشارت‌ها و قبول حالات واقع شده در عرفا، ابن سینا در نمط نهم اشارات خود می‌آورد: «عارفان دارای مقامات و درجاتی می‌باشند که

۱ - فلسفه عرفان صفحه ۱۳۸

۲ - همان صفحه ۱۶۲

۳ - حافظ

۴ - فلسفه عرفان صفحه ۹۳

اختصاص به آنان دارد. و تنها ایشانند که در زندگی دنیوی خود، به آن مقامات دست می‌یابند، نه دیگران. و آنان همچنان که در پوشش بدن‌ها و اجسام خویشند، گوئی که آن قالب‌ها و پوشش‌ها را در هم شکافته، و به جهان قدسی و پاکی به پرواز در آمده‌اند. و آنان را حالاتی پنهان در درون است، با نشانه‌ها و آثاری در برون، کسانی که اهل حال و محرم این رازها نباشد، در رد و انکارند^۱ و اما آشنایان این راز، آن را ارج می‌نهند و بزرگش می‌دارند ... آنان در پرده و پوشش تن، چنانند که گوئی آن را از هم دریده و به جهان قدس پیوسته‌اند^۲.

خواجه نصیر الدین طوسی رحمته الله نیز می‌افزاید: «منظور از امور مخفی و پنهان عرفا، همان مشاهدات ایشان است. چیزهایی را که، اوهام بشر از دریافت آنها ناتوان است. و زبانها در بیان آنها عاجز؛ و آن ابتهاجاتی است که، از نیل به حقایق بدست می‌آید؛ که نه چشمی آنچنان چیزی دیده و نه گوش کسی شنیده^۳ است. بنابراین؛ شنیدن حکایات آنها حذیه و کششی دارد که خواننده را پر از شور و شغف می‌نماید که:

تو قصه عاشقان همی کم شنوی

بشنو، بشنو که قصه شان خوش باشد^۴

— اما در خصوص کسانی که علیرغم تواتر و نقل قول افراد متفاوت، علی الخصوص اولیاء و صلحا التفاتی به این امور نداشته و یا به گفته ابن سینا آن را مایه «تمسخر و خنده»^۵ می‌دانند، استیس آمریکائی می‌گوید: «من به طیب

۱ - هر که شد محرم دل، در حرم یار بماند و آنکه این کار ندانست در انکار بماند (حافظ)

۲ - فلسفه عرفان صفحات ۹۲ و ۹۱

۳ - همان صفحه ۹۲

۴ - مولانا

۵ - فلسفه عرفان صفحه ۱۰۰

خاطر می‌پذیرم که چنین حالات به مردمانی که از نژادهای گوناگون و در سنن اجتماعی متفاوت بوده‌اند، در همه ادوار تاریخ، دست داده است. و باز هم به طیب خاطر قبول دارم که، اگر چه آن تجارب در زمانها و مکانهای مختلف، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر داشته‌اند ... ولی محتملاً، ویژگی‌های معین و مشترکی در میان آنها هست که برای تمیزشان از سایر انواع تجربه، کافی است. و بنابراین مبنای از نظر من بسیار محتمل است که انسان در حالات دینی و عرفانی، با حقیقت یا جنبه‌ای از حقیقت، ارتباطی می‌یابد، که به هیچ طریق دیگر نمی‌یابد.^۱ بنابراین حسب اظهارات ابن سینا: «هر که این مطالب را بشنود و ناخوش دارد، تنها به خود بدبین باشد و نقص را در خود ببیند»^۲ و به گفته امام خمینی (رحمته الله علیه) در نامه عرفانی خود به فرزندش حاج احمد آقا: «آنچه در درجه اول به تو وصیت می‌کنم آن است ... از منکرین مقامات اولیاء پرهیزی که اینان، قُطاع طریق حق هستند»^۳، بنابراین؛ همچون عین القضاة همدانی: «دَقَّتْ کَلِمٌ و با عجله تکذیب نکن» که «خرد برای دریافت بعضی از موجودات و مسائل مهمی از عوامض آفریده شده، چنانکه چشم برای دیدن قسمتی از موجودات دیگر ... و از دریافت شنیدنی‌ها و بوئیدن‌ها ناتوان»^۴ و بعضی مسائل نیز از حیطة عقل و خرد و حس خارج، فلذا؛ به لسان العیب شیراز تأسی جو که :

۱ - همان صفحه ۱۳۰

۲ - همان صفحه ۱۰۰

۳ - زمزم عرفان صفحه ۱۳۶

۴ - گفتار دراز مختصر باید کرد و زیار بدآموز، حذر باید کرد (ابوسعید ابوالخیر)

۵ - عرفان نظری صفحات ۱۵۷ و ۲۰۷

کلید گنج سعادت، قبول اهل دل است

مباد کس که در این نکته شک و ریب کند.^۱

به عنوان ختم مقدمه و جهت مزید اطلاع خوانندگان محترم لازم به ذکر است که؛ اسامی افراد و محل سکونت آنها و اسامی مکان‌ها با جزئیات کامل مشخصات در آخر کتاب آورده شده و به صورتی مختصر به ذکر نام و شهرت در ذیل هر داستان اکتفاء شده است. اما در داستان‌هایی که بدون زیرنویس و بدون قید نام می‌آید نقل شده از فرزند ارشد حاج سید عزیز - حاج سید علی حسینی - بوده که البته دارای شمارگان داستان می‌باشد ولی آنچه مؤلف خود برداشت و تجزیه و تحلیل نموده فاقد قید شماره داستان بوده که به سادگی قابل تفکیک و شناسائی است.

این کتاب پس از آماده شدن و پیش از چاپ از باب وثوق و تأیید به فرزند ارشد حاج سید عزیز عرضه و ایشان در خصوص داستان‌های موجود آن را تأیید نموده مع الوصف در خصوص مباحث مطرح شده ممکن است اشکالات و ایراداتی وجود داشته باشد که ارشاد خوانندگان، لطف ارزنده ایی است که مؤلف به آن چشم دوخته است.

تیرماه - ۱۳۹۰